

راه کارهای تبدیل تهدیدهای جهانی شدن به فرصتها

چگونه سیل را به رودخانه

تبدیل کنیم؟

دکتر غلامحسین نهازی

درآمد

جهان سوم مدعی سهمی از قدرت گردیده و در صدد یافتن جایگاه شایسته تری در نظام بین الملل باشند. با دگرگونیهای اخیر و انتقال منبع قدرت از نظامیگری به اقتصاد که اساساً منابع آن نیز از کشورهای توسعه نیافته تأمین می گردد، مرزها و جبهه های منازعه در روابط بین الملل را به جهان سوم منتقل نمود. رویکرد جدید جهان سرمایه داری جهت مقابله با کانونهای جدید بحران مبتنی بر جهانی کردن اقتصاد از طریق ادغام منافع قطبهای سرمایه داری به منظور جلوگیری از منازعات میان قدرتهای بزرگ صنعتی و استحاله کشورهای جهان سوم در مجموعه نظام جهانی با هدف تداوم وابستگی نابرابر و سلطه اقتصادی در راستای بقای ثبات

جهانی شدن به عنوان جایگزین امنیتی نظام فروپاشیده ی دو قطبی، پیامد تحولاتی است که رویدادهای آخرین دهه قرن بیستم آن را با خود به دنبال داشته و ناشی از شرایطی است که هدف آن تداوم روند قدرت در روابط بین الملل به سود قدرتهای بزرگ می باشد. از زمان پیدایش نظامهای بین المللی، کشورهای توسعه نیافته در تکوین آن نقشی نداشته و تنها به مثابه سنگ پاره هایی در کفه ترازوی موازنه قوا به سود قدرتهای بزرگ ایفاگر نقشهای حاشیه ای بودند، فروپاشی نظام دو قطبی که ساختار نظام بین المللی سنتی را دگرگون نمود، شرایط مناسبی فراهم ساخت تا با بهره گیری از آن، کشورهای

هژمونیک قطبهای پیشرفته سرمایه داری در عرصه روابط بین الملل می باشد. بنابراین، «بسیاری از کسانی که به نوعی دغدغه خاطر خود را از شکل بندیهای نظام جهانی نو و پارادایم جهانی شدن بروز داده اند، همه توجه و نگرانی خود را به این نکته معطوف نموده اند که جهانی شدن را مساوی چیرگی فرهنگی و نظامی آمریکا بر جهان فرض کرده اند.»^(۱) جهانی شدن از مشخصه های زیادی برخوردار است، اما دو ویژگی مهمتر آن شبیه سازی فرهنگی و دیگری تقلیل قدرت حکومتها در برابر مردم و بالا رفتن سطح انتظارات و توقعات مردم از دولتهاست. در چنین شرایطی حکومتها بالاجبار باید دست به تقسیم و توزیع قدرت بزنند و بخش عمده ای از قدرت را به مردم یا نهادهای مدنی و مردم، احزاب سیاسی، سندیکاها، مطبوعات و... واگذارند و بر اساس پلورالیسم سیاسی عمل کنند.»^(۲)

۱- جهانی شدن و آثار مخرب آن در امنیت ملی کشورها

به عقیده ی بسیاری از صاحب نظران، جهانی شدن گودال بزرگی بر سر راه تشکیل یک نظام جهانی متحد، منسجم و به هم وابسته ایجاد کرده است. نظام جهانی متکی بر جامعه جهانی در متن خود فرصتهای برابر اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی را تأمین می کند تا از این راه صلح و امنیت جهانی تأمین شود و هویتهای دولتی، ملی و معرفتی صدمه نینند. اما در فرایند

جهانی شدن، نظام جدید و گفتمان مسلط اقتصادی باعث تمرکز سرمایه در میان جمع قلیلی از سرمایه داران، صاحبان صنایع و بازرگانان بزرگ خواهد شد. به طوری که پنج قدرت اقتصادی یعنی آمریکا، ژاپن، فرانسه، انگلیس و آلمان از جمع ۲۰۰ کارتل و تراست بزرگ جهان، حدود ۷۰ کارتل و تراست را به زیر یوغ خود گرفته اند. از سوی دیگر «تونی بلر» در سخنرانی ۲۲ آوریل ۱۹۹۹ در شیکاگو با تأکید بر اینکه جهانی شدن تنها محدود به یک سلسله تلاشهای اقتصادی نیست، گفت: «گذشته از تلاشهای اقتصادی، جهانی شدن در برگیرنده ی مفاهیم سیاسی و امنیتی تازه ای نیز هست.» و در واقع یکی از دلایل اعتراضهای خونین و مقاومت اندیشمندان و صاحب نظران غربی در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ آن هم در مرکز پرجمعیت و حساسی چون لندن و سیاتل (آمریکا) ناشی از همین نگرانی است که جهانی شدن مثلث «ملت»، «دولت»، «میهن» را آماج حملات خود قرار داده است.

«آنتونی گیدنز» معتقد است که «جهانی شدن به همان اندازه که ممکن است سکوی پرتاب باشد، می تواند منجر به سقوط شود و یا موجب فشارهای جدید بر استقلال محلی و منطقه ای گردد.»^(۳) همچنین جهانی شدن با تأثیرگذاری بر محیط زندگی انسان و رفتار بازیگران، به صورت غیرمستقیم فرهنگ امنیت ملی را متغیر ساخته و ملاکهای تازه ای را برای حیات سیاسی عرضه داشته است که ضرورتاً مؤید

این دودیدگاه هستند. به نظر آنها بعید است که جهانی شدن بتواند به سادگی جایگزین الگوی حاکمیت ملی شود.^(۶)

گذشته از بحث نظری تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت ملی دولتها، آنچه در عمل جامعه جهانی با آن مواجه است، بین‌المللی شدن مسائلی است که در گذشته به عنوان امور داخلی و در حیطه حاکمیت دولتها قرار داشت. در حقیقت ما با مفهوم جدیدی از حاکمیت روبه‌رو هستیم که نسبت به گذشته تعدیل شده است. «پطرس غالی» دبیر کل سابق سازمان ملل در گزارش ژانویه ۱۹۹۲ به شورای امنیت می‌نویسد: «احترام به حاکمیت‌های ملی برای هرگونه پیشرفت مشترک بین‌المللی امری حیاتی است، اما زمان حاکمیت مطلق و انحصاری سپری شده است و نظریه آن هیچگاه با واقعیت منطبق نبوده است.»^(۷)

۳- تأثیر جهانی شدن بر سازمانهای بین‌المللی

فوری‌ترین و آشکارترین تأثیر جهانی شدن بر سازمانهای بین‌المللی را می‌توان در سازمان ملل متحد مشاهده نمود. جهانی شدن به‌ویژه جهانی شدن اقتصاد، شرکتهای فراملیتی را نیازمند سازوکار کنترل و مهار بحرانهای موجود بر سر راه کسب سود بیشتر نموده است. ساختار سازمان ملل، کار ویژه‌ی شورای امنیت و حق وتوی پنج قدرت بزرگ اقتصادی-صنعتی جهان کاملاً در راستای اهداف جهانی شدن اقتصاد

رفتارهای ملی نیستند و همین امر امنیت ملی را به پرسش جدی می‌کشد.^(۴)

برای مقابله با عوامل تهدیدکننده‌ی امنیت ملی ناشی از روند جهانی شدن هیچ دولتی به تنهایی نمی‌تواند استراتژیهای خاصی را مطرح کند. بنابراین می‌طلبد که جهان به سمت یک امنیت دسته جمعی حرکت کند.^(۵)

۲- تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت ملی دولتها

توسعه فزاینده‌ی فن‌آوریهای اطلاعاتی، منجر به تراکم دو بعد زمان و مکان در حیات انسان معاصر گردیده است. طوری که اندیشه‌گران ایده‌ی کوچک شدن جهان را مطرح و آن را در قالب اصطلاح دهکده‌ی جهانی توصیف نموده‌اند. همین امر دیدگاههای متنوعی را نسبت به چگونگی اعمال حاکمیت ملی در جهان کنونی و در آینده پدید آورده که از این میان می‌توان به سه دیدگاه اشاره کرد:

۱- دیدگاه اول از سوی اندیشه‌گرانی

همچون «کارت»، «واد»، «هی‌رست» و «تامپسون» مطرح گردیده است. از نظر اینها تحقق آرمانهای عالی جهانی بدون همراهی حاکمیت‌های ملی ممکن نبوده و در هر حال نقش بازیگران ملی حایز اهمیت است.

۲- دوم، اندیشه‌گرانی همچون «زورن» و «اهمت» به این رویکرد پرداخته‌اند که عمر حاکمیت‌های ملی پایان یافته‌پنداشته می‌شود.

۳- سوم، اندیشه‌گرانی همچون «گلوب»، «کیوهان» و «هاس» که قائل به جمع میان

عمل می‌کنند، تا جایی که «کوفی عنان» دبیر کل سازمان ملل شرکتها و سازمانهای اقتصادی جهانی را به عنوان بازیگران برتر و قدرتمند جهانی قلمداد می‌کند که بدون توجه و یا نیاز به حاکمیت‌های ملی عمل می‌کنند. او می‌گوید: «من در ژانویه ۱۹۹۹ در نشست مجمع جهانی اقتصاد در «داوس» پیشنهاد موسوم به قرارداد جهانی با بخش خصوصی را ارائه کردم. این شرکتها، صاحب قدرت فوق العاده زیاد مدیریت، فن آوری و پول هستند و امروزه تبدیل به مدلی واقعی برای کسب ثروت شده‌اند. به همین علت از این شرکتها خواستم تا نفوذ، مسئولیت و قدرت خود را با من به اشتراک گذاشته و علیه محیط زیست، استاندارد کردن شرایط کار و دفاع از حقوق بشر اقداماتی را انجام دهند. تلاش من این است که با این شرکتها، نه تنها در بهره‌مند کردن کشورهای جهان سوم از جهانی شدن، بلکه در عملی کردن برخی هنجارهای بنیادین شریک شوم.»^(۸)

۴- جهانی شدن و مؤسسات اقتصادی بین‌المللی (WTO، بانک جهانی و...)

پس از پایان جنگ جهانی دوم ۲۳ کشور جهان برای استفاده از امکانات سایر کشورها، هسته اولیه «گات» را تشکیل دادند. هدف نهایی این سازمان کاهش موانع دادوستد با افراد و بنگاههای فرامرزی و یکسان شدن هزینه داد و ستد با آنها با هزینه‌های مشابه در داخل کشورهاست^(۹) و این دقیقاً ویژگی کلیدی فرایند جهانی شدن می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت جهانی شدن منطبق مؤسسات اقتصادی بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی بیش نیست. از سوی دیگر مؤسسات و سازمانهای اقتصادی بین‌المللی با هدف فراهم نمودن تسهیلات جهانی برای کاهش هزینه‌ها و نیل به سود

بیشتر، گاه در عملکرد خود با تناقض آشکاری مواجه گردیده‌اند. از یک سو با فرسایش حاکمیت دولتها راه را برای تجارت جهانی هموارتر می‌سازند و گاه به دنبال تحکیم حاکمیتهای ملی هستند تا شرایط اقتصاد بومی را برای روان تر شدن روند تجارت جهانی فراهم نمایند. طوری که بانک جهانی اکنون در باره‌ی کاهش نقش دولت ابراز نگرانی کرده و استدلال می‌کند که: «یک دولت کارآمد برای تهیه کالاها و خدمات و نیز برای تدوین قوانین و ایجاد نهادهایی که امکان شکوفایی بیشتر بازارها را فراهم سازد تا مردم زندگانی سالمتر و شاداب تری داشته باشند لازم و ضروری است. بدون آن توسعه پایدار چه اقتصادی و چه اجتماعی ناممکن است» دولت، در توسعه اقتصادی و اجتماعی نه به عنوان تأمین کننده‌ی مستقیم رشد، بلکه به عنوان یک شریک، واسطه و تسهیل کننده نقش محوری دارد.»^(۱۱)

۵- تأثیر جهانی شدن بر حقوق بشر (کنوانسیون حقوق بشر)

زمانی حکومتها با کسانی که در حوزه‌ی صلاحیتشان زندگی می‌کردند هر گونه می‌خواستند رفتار می‌کردند و با این ادعا که حقوق بشر «صلاحیت داخلی» آنهاست و هر دولت به تنهایی مسئول آن است در برابر انتقاداتی که از اقدامشان می‌شد مقاومت می‌کردند. اکنون حقوق بشر بخش قوام یافته‌ای از حقوق بین‌الملل با یک ساختار نهادی و دامنه کاربست

جهانی است. هر کشور واحدی دست کم یک معاهده به تصویب رسانده است که دربرگیرنده‌ی تعهداتی درباره‌ی حمایت از حقوق بشر می‌باشد. اکنون حقوق بشر به عنوان مجموعه قوانین، جزء گفتمان جامعه بین‌المللی شده است حقوق بین‌المللی بشر، جهانی شده و فراتر از همه مرزها و سازوکارهای دولتی عمل می‌کند. این حقوق جزء گفتمان تقریباً تمام جوامع و همه سازمانهای دولتی درآمده است که هم نخبگان، هم ستمدیدگان و هم سازمانها و جوامع را خطاب قرار می‌دهد. حقوق بشر هم بخشی از جهانی شدن است و هم جدای از آن.^(۱۲) اما آنچه مهم است اینکه جهانی شدن اقتصاد خود به عامل اصلی نقض حقوق بشر در جهان تبدیل گردیده است، طوری که «رشد اقتصادی از طریق فرایندهای جهانی شدن حتی می‌تواند با فراهم ساختن انگیزه‌های اقتصادی برای تجارت کالاهایی همچون مینهای زمینی و جنگ افزارهای نظامی، به نقض گسترده‌ی حقوق بشر در آن سوی مرزهای کشور دامن زند. برای مثال در سال ۱۹۹۷، یکی از کارخانجات تولید کننده‌ی تسلیحات آفریقای جنوبی در صدد فروش جنگ افزارهای جدیدی به ارزش ۶۴۰ میلیون دلار برای تجهیز ناوگان تانک تی ۷۲ سوریه برآمد. این معامله تا حدی در نتیجه انتقاد شدید آمریکا به هم خورد. دولت آفریقای جنوبی با استناد به اینکه دولتی واجد حاکمیت است که سیاست خارجی خود را با توجه به خواست و میل سایر کشورها تعیین نمی‌کند، به این

انتقادات پاسخ گفت. این واکنش با توجه به جهانی شدن نگرانیهای حقوق بشر و تأثیر نظم حقوق بین‌المللی جزء لاینفک بهبود وضعیت حقوق بشر و تغییر تاریخی حکومت آفریقای جنوبی بوده است، واکنشی پر کنایه است. در مجموع، جهانی شدن اقتصاد می‌تواند به

۶- بررسی راهکارهای تقویت قدرت ملی و افزایش قدرت بازدارندگی در برابر جهانی شدن

الف- راهکارهای ملی (کلیات)

۱- فهم و استنباط مشترک نخبگان سیاسی کشور یکی از نکات کلیدی در فرایند اولیه روشی برای طراحیهای آینده (توسعه سیاسی)، فهم و استنباط مشترک نخبگان سیاسی کشور از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی است. این استنباط مشترک که می‌توان آن را نوعی اجماع کلان تلقی کرد، به دقیق‌تر کردن برآوردها، تنظیم اولویت بندیها، قاعده‌مند کردن سیاستها و موضع‌گیریها و ثبات رفتاری می‌انجامد. بحث سنتی در مملکت‌داری پیوسته پیرامون ایجاد توازن میان «نان و امنیت» بوده است. به نظر می‌رسد در شرایطی می‌توان این توازن را ایجاد کرد که برداشتهای نسبتاً دقیقی از وضعیت فعلی و همچنین حدود و ثغور مطلوبیتها در آینده داشت. (۱۵)

۲- ضرورت انسجام فکری و انسجام سیاسی هیئت حاکمه

جامعه‌ای در مسیر توسعه حرکت می‌کند که

بهبود شرایط مردم کشورهای در حال توسعه کمک کند، اما همچنین ممکن است به استثمار و سرکوب اقتصادی دامن زند. جهانی شدن ممکن است به بهای از دست رفتن حقوق اقتصادی بسیاری افراد در درون یک کشور منجر به پیشرفتهای ظاهری در زمینه رشد اقتصادی شود. در واقع ظاهراً مدارک قاطعی در تأیید این ادعا در دست است که سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ناقض حقوق بشر است. نفوذ افکار اقتصادی مؤسسات اقتصادی جهانی چنان است که حتی مفاهیم حقوق بشر نیز می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه امروزه حق توسعه را تا حدودی چنان تعریف می‌کنند که «توسعه» معنی صنعتی شدن، غربگرایی و رشد اقتصادی را می‌دهد. (۱۳) به هر حال استدلالهایی وجود دارد که میان جهانی شدن اقتصاد و حقوق بشر رابطه‌ای منفی قایلند. تا به حال سوابق چندانی وجود ندارد که نشان دهد نهادهای اقتصادی جهانی از سرمایه‌گذاریشان برای ترویج دموکراسی استفاده کرده‌اند. این ممکن است تا حدی به دلیل بی‌اعتمادی رایج نخبگان حاکم نسبت به خارجی‌ان و تاحدی نیز ناشی از ضعف نسبی

سازماندهی درونی اش به درجه‌ای از تکامل رسیده و یا مجموعه تحولات، سیاستها و برنامه‌ریزیها، آن را در پروسه‌ای سازمان یافته قرار داده باشد. اولین بحث جدی در این رابطه، انسجام فکری است. هنگامی که زمینه‌های اولیه انسجام فکری، رعایت تقدم و تأخر و اولویت بندی مسائل فراهم نشود، مصادیق اولیه و ثانویه که خود تقویت کننده‌ی انسجام عملی حادث شده خواهد بود، به دست نخواهد آمد. بنابراین باید ضمن پذیرش نظم و سازماندهی در تفکر اجتماعی، برای آن ارج کافی قائل بود. حرکت در مسیر توسعه، انسجام عملی و پیش از آن انسجام فکری می‌خواهد. تزلزل در اندیشه، تزلزل در عمل را پدید می‌آورد، به ویژه در سطحی کلان و برای اداره‌ی یک جامعه. تاریخ توسعه نشان می‌دهد که انسجام فکری، نتیجه انسجام سیاسی هیئت حاکمه در هر جامعه است. پراکندگی فکری در سطح بالاتر سیستم اجتماعی و به طور دقیق تر در رأس سیستم سیاسی جامعه است. توجه به توسعه، نظم، سازماندهی و انسجام درونی، نتیجه بلوغ فکری و سیاسی در رأس هرم سیاسی یک جامعه است.^(۱۶)

۳- ضرورت اجماع نظر پیرامون منافع ملی

برای کاهش تنش ناشی از چالشهای داخلی بر فرایند تصمیم‌گیری خارجی، در درجه نخست بهترین راه جلوگیری از اثرگذاری تنشهای داخلی بر روابط خارجی، در دست داشتن تعریف مشخص از منافع ملی و برنامه‌ریزی سیاست

خارجی است. تا منافع ملی تعریف آشکار و مشخصی نداشته باشد، سیاست خارجی مشخص نخواهد شد. به هر حال در این کشور یک نظام اسلامی حاکم است و می‌توان ایدئولوژی این نظام را در داخل منافع ملی آورد و آن را تعریف کرد، آن گونه که در سراسر کشور اجماع حاصل شود. چون روابط بین‌الملل، روابط میان کشورهاست و ساختار و مکانیزم این روابط به گونه‌ای است که فقط پیگیری منافع ملی می‌تواند سیاست خارجی را شکل خاصی دهد. این به این معنی نیست که ما ایدئولوژی را کنار بگذاریم.^(۱۷)

۴- اجماع نظر در خصوص چالشها، فرصتها و تهدیدها

نخبگان ایران در خصوص روند جهانی شدن با تشتت خاصی روبه‌رو شده‌اند. برخی جذب و رای مرزها هستند و عرصه را برای فعالیتهای خود تنگ می‌بینند. دسته دیگر، نوعی بی‌تفاوتی بر آنها حاکم شده و محافظه کار و بی‌تفاوت هستند. گروه سوم کسانی هستند که از درون نظام برخاسته‌اند و هنوز ارزشهای ملی و وطنی خود را مدنظر قرار می‌دهند و با واردانند که ایران دارای امکانات بالقوه‌ی بسیار ارزنده و دارای جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ویژه‌ای است. تنها ضعف ما در مدیریت صحیح و اتخاذ خط مشیهای درست است. از نظر ایران در حال توسعه بودن و جهان سومی بودن فخر نیست، بلکه نوعی خفت اجتماعی و اقتصادی است. امید است با تحولاتی که انجام می‌شود، هر سه

گروه نخبگان بتوانند به یک اجماعی برسند و ایران بتواند در نظام بین‌المللی جایگاه مطلوبی به دست آورد و در تصمیم‌گیریهای جهانی نقش مؤثری داشته باشد.^(۱۸) بنابراین هر نوع

ناهماهنگی میان نخبگان فکری و ابزاری و همچنین نهادهای تصمیم‌گیری و اجرایی می‌تواند پیامدهای امنیتی ناگواری برای کشور به همراه داشته باشد. موفقیت ایران منوط به هماهنگی و اجماع نظر پیرامون چالشها، فرصتها و ظرفیتهای کشور است.^(۱۹)

۵- رفع تعارضهای سه گانه

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در سطح کلان کشور سه نوع تعارض دیده می‌شود: الف) تعارض نظری، ب) تعارض میان نظر و عمل، ج) تعارض در عمل. بنابراین فوری‌ترین اقدام برای تقویت قدرت ملی و امنیت ملی، حل تعارضهای فوق می‌باشد.

۶- راهبرد مبارزه با تهاجم فرهنگی

برای تبیین برنامه عملیاتی مبارزه با تهاجم فرهنگی با هدف تقویت امنیت ملی می‌توان مثالی مبتنی بر سه اصل زیر را محور کار قرار داد:

۱. با توجه به نظام سیاسی و قانون اساسی، آموزش و تربیت باید به صورت جدی در برنامه مبارزه با تهاجم فرهنگی مورد توجه و در اولویت باشد.

۲. با قربانیان داخلی تهاجم فرهنگی برخورد شدید و قهرآمیز مشکلات فراوان تری ایجاد خواهد کرد.

۳. سومین اصل، تبیین راهبرد در مقابله با

تهاجم فرهنگی است. باید از عملکرهای کلیشه‌ای اعم از مسالمت‌آمیز و یا تنبیهی که بدون برنامه اعمال می‌گردد، پرهیز شود.^(۲۰)

۷- رفع دوگانگی ارزشی در جامعه

دوگانگی ارزشی در درون جامعه و تلاقی آن با دوگانگی در درون حاکمیت از چالشهای جدی رویاروی جامعه امروز ایران است که این دوگانگی درون جامعه از شکاف سنی، تحولات تکنولوژیکی و اطلاعاتی، افزایش سواد، گسترش جریان روشنفکری و تغییر گروههای مرجع ناشی می‌شود. اگر حاکمیت نتواند ارزشهای مشترکی را تعریف کند، با چالشهای جدی مواجه خواهد شد.^(۲۱)

۸- اصلاح زاویه دید نخبگان جامعه به غرب -

ضرورت نگاه عقلایی به غرب

عمده‌ی تلاقی و اشتراک ما با غرب به سامان دنیایی ما بازمی‌گردد. سازمان دنیایی ما با غرب گره خورده است، اما مشکل ما این است که نگاه ما به غرب یک نگاه حماسی بوده، در حالی که نیاز ما نگاه عقلایی به غرب است. باید توجه داشت که غرب هر جا ضعف ببیند، قطعاً در آنجا برای خود به طور طبیعی ردپا ایجاد می‌کند، چون قدرت، نفوذ و سلطه می‌آورد. مسئله ما با غرب عمدتاً در حوزه‌ی اقتصاد و تکنولوژی است که از نوع تقابل و نزاع نیست. حتی خود نزاع هم اصل نیست بلکه روش و کیفیت نزاع اصل است. تصور می‌کنیم که ما باید با غرب نگاه تقابلی داشته باشیم تا اینکه خود را حفظ کنیم. در حالی که مبنای تقابل ما با

غرب قدرت فرهنگی ما است. نگران هستیم در اثر کار با غرب، استقلال و حاکمیت ملی مان را از دست بدهیم، این است که نتوانسته ایم به فرمولی برسیم تا بتوانیم با غرب کار کنیم. در چارچوب واقعیت‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی ایران اولین مدار ارتباط ما با غرب مدار اقتصادی است؛ مدار سیاسی مدار دوم است، چون کار اقتصادی به طور طبیعی روابط دیپلماتیک و سیاسی می‌طلبد و بعد از آن فهم فلسفه و فرهنگ غرب است و در این قسمت است که ما می‌توانیم با غرب مکالمه، دیالوگ و رفت و آمد فکری داشته باشیم.^(۲۲)

۹- حل و فصل تعارض فلسفی و سیاسی با غرب
توسعه یافتگی ایران بدون همکاری‌های بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و عدم حل و فصل تعارض فلسفی و سیاسی ایران با مجموعه غرب هم، روند توسعه یافتگی را به تأخیر خواهد انداخت، بدون فراگیری از جهان خارج از ایران نمی‌توان عقلانیت را چه در حد فردی و عمومی و چه در حد دولتی بسط داده و نهادینه کرد. عقلانیت زمانی نهادینه می‌شود که افکار و رفتارهای شهروندان و دولتمندان مبنی بر علم، مطالعه و نفع جمع بنا شود. معمای توسعه یافتگی ایران در این نکته نهفته است: چگونگی تلفیق منطقی چند عنصر یعنی حفظ حاکمیت ملی، حفظ فرهنگ اخلاق و معنویت دینی، حل و فصل دائمی بحران مشروعیت، مشارکت قاعده‌مند مردم در تعیین سرنوشت کشور، پیشرفت قابل انباشت اقتصادی و روابط معقول و دوطرفه با

محیط بین‌المللی. طراحی‌هایی که عناصر فوق را در یک شبکه معقول عملی جای دهد به انسان‌های توانمند فکری و شخصیت‌های بزرگ نیاز دارد. ورود و خروج نخبگان ابزاری تصادفی، تحقق چنین هدفی را به تأخیر خواهد انداخت.^(۲۳)

۱۰- برقراری توازن میان اولویت‌های داخلی و خارجی

گرایش جدید بین‌المللی به بهره‌برداری از منابع متمرکز انرژی در شمال و جنوب ایران است. علاقه جدید کشورهای غربی در ایجاد ارتباط با جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر این تحول می‌باشد. موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران، منطقی را ایجاد می‌کند که در راستای منافع تأمین انرژی بسیاری از کشورهای است. نوع بهره‌برداری اقتصادی از این موقعیت جدید ضمن حفظ استقلال کشور در کانون برنامه‌ریزی‌های داخلی و دیپلماسی منطقه‌ای ما خواهد بود. توازن میان اولویت‌های داخلی و خارجی ملاک مهمی در برنامه‌ریزی‌های بیست سال آینده است. با توجه به اینکه یک سوم جمعیت کشور زیر بیست سال هستند و هم اکنون سالانه حدود هفتصد هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند، بیمه کردن آینده‌ی این نسل که باید حامل ارزش‌ها، سنتها و نوع‌آورها باشد تابع نوعی ثبات سیاسی و فکری است که در توازن فوق‌الذکر قابل جستجو خواهد بود.^(۲۴)

۱۱- فهم و ترسیم دقیق محیط امنیتی

محیط امنیتی ایران یک محیط در حال شکل‌گیری و متغیر است. بر همین اساس جمهوری اسلامی

کشور صرف دشمنان خیالی گردد، آنگاه جامعه در یک مسیر قهقراپی قرار می‌گیرد و منابع آن برای تهدیدات خیالی و بی‌اساس مصرف می‌شود که در نهایت در داخل جامعه ایجاد ناامنی می‌کند.^(۲۶)

۱۳- تجدید نظر در اولویتهای امنیتی ایران

ایران در مرکز ۷۵٪ منابع انرژی جهان در خلیج فارس و دریای خزر نشسته است و این موقعیت خاص موجب گردیده که امنیت کشور از نظر داخلی و تهدیدات خارجی همواره از جمله مسائل اساسی تلقی شود. چنین وضعیت حساسی به آسانی توجه و علاقه شرق و غرب و نیز کشورهای همسایه را به سوی ایران برمی‌انگیزد. اگرچه در مورد تنشهای امنیتی، تقویت قوای تدافعی کشور لازم و ضروری می‌نمود، اما باید در نظر داشت که این امر فقط تأمین کننده امنیت ملی ایران در باب کشورهای همسایه و همجوار است، لیکن تضمین امنیت ملی - با الهام از تحول در مفهوم امنیت پس از فروپاشی بلوک شرق - جز از طریق اقدامات بنیادینی چون توسعه اقتصادی، سیاسی و صنعتی کردن کشور امکان پذیر نیست. باید پذیرفت درآمد سرانه نازلی معادل ۲۶۰ دلار برای کشوری جوان و با جمعیت روبه رشدی مانند ایران کافی نیست.^(۲۷)

۱۴- فهم و تبیین نقش ایران و ایفای هوشمندانه

این نقش در عرصه روابط بین الملل

جمهوری اسلامی ایران با چیزی به نام هژمونی آمریکا به صورت تاریخی از ابتدای انقلاب

باید نسبت به نحوه‌ی شکل‌گیری محیط امنیتی خود حساس باشد و اجازه ندهد معادله قدرت به زیان خود تغییر نماید. در همین ارتباط یکی از بزرگترین خطرات ما این خواهد بود که نخواهیم و یا نتوانیم نقش خود را در تغییر وضعیت منطقه ایفا نماییم و انعطاف لازم را نسبت به شرایط جدید نداشته باشیم. ما از یک طرف با قبایل بدوی و اشرار و دولتهای ضعیف و از طرف دیگر با پیشرفته ترین تجهیزات و دولتهای قدرتمند نظامی مواجه هستیم و در این محیط امنیتی مسابقه سنگین تسلیحاتی نگران کننده‌ای در جریان است که به لحاظ امنیتی عمده توجه ما، برخلاف دوران جنگ به داخل معطوف گردیده و تمرکز بر مسائل داخلی و عدم توجه کافی به مسائل امنیتی در پیرامون، شرایطی را در آینده پدید خواهد آورد که باید پاسخگو باشیم.^(۲۵)

۱۲- درایت و هوشمندی در خصوص شناخت تهدیدات امنیتی جهت پیشگیری از افزایش دشمنیهای واقعی و خیالی

از آنجا که ممکن است به علل خاص، اهدافی که ارزش قرار گرفتن در صدر فهرست اهداف حیاتی یک کشور را ندارند، راه خود را به جهاتی در سر لوحه منافع ملی باز کنند، پس باید دقت لازم در سطوح طرح ریزی استراتژیک برای تقدم و تأخر اهداف و حفظ امنیت آنها معمول گردد. منشاء و منبع و وسعت تهدیدات که امنیت ملی را به خطر می‌اندازد باید با دقت و وسواس ارزیابی شود. چون اگر قرار باشد وقت مسئولان

تاکنون مخالفت کرده است. یعنی با یک جهان یک قطبی اساساً مخالف است. ما در جهان چیزی به نام نظم جهانی داریم، رابطه ایران با آن چگونه است؟ یک موقع بازی نمی کنیم، برای اینکه اولاً نه قواعد آن را بلد هستیم و نه حوصله این بازی را داریم. یک موقع هم در بازی نقش دفاع را بازی می کنیم، بعد به جای اینکه فعالیت خودمان را ادامه دهیم پای «فوردوار» حریف را گرفت و او را خاک می کنیم، این قاعده‌ی بازی نیست، این کار خارج از ضوابط است. حالا آیا نظام جمهوری اسلامی (در سطح بین‌المللی) می خواهد در این بازی که تحت عنوان نظم جهانی است بازیگر باشد و یا نمی خواهد.^(۲۸) ما باید تکلیفمان را در این بازی مشخص کنیم. باید تلاش کنیم و حتی الامکان شرایط را به نفع امنیت ملی خود تغییر دهیم.

۱۵- ضرورت دید بین‌المللی نسبت به مسائل مختلف حکومت و کشور

در تحولات ساختاری موجود، کشور علاقه مند به توسعه در تمامی ارکان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود باید دید بین‌المللی نسبت به تولید، مبادله تکنولوژی، صنعت، سازماندهی، همکاری اقتصادی-سیاسی و فرهنگ اجتماعی بین‌المللی داشته باشد تا بتواند عضوی مؤثر و درعین حال رو به توسعه در جامعه بین‌الملل تلقی شود. کشورهایی که از زمینه فراگیری خوبی برخوردارند و ابزار، لوازم و اصول توسعه را از مجموعه تجربه‌های دیگران به سود خود

۱۶- افزایش توان سیاسی دولت و یکپارچگی سیاست داخلی

بهره‌برداری می کنند در عرصه کار، فعالیت، مبادله و تولید موفق تر هستند. کشورهایی که در پی تدوین استراتژی جامع برای دستیابی به توسعه هستند لازم است فضای فکری و فراگیری جامعه شان را گسترش دهند. توسعه، پروسه یادگیری و آزمون و خطا است، در محیطی بسته نمی توان توسعه یافت، مبادله کرد و به تصحیح حرکتها پرداخت.^(۲۹)

ماهیت گونه‌گون توانمندی فیزیکی و واکنشهای سیاسی توان سیاسی را در مرکز مدیریت امنیت ملی قرار می دهد. منابع و توانمندیهای فیزیکی برای داشتن موضع امنیتی قوی ضروری اند ولی کافی نیستند. توان سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است چون نشانگر درک، تصمیم گیری و اعمال سیاستهای امنیتی است. از طریق توان سیاسی یک دولت - ملت است که ارزشهای ملی تعریف می شوند، تهدیدات و نقاط ضعف فهم و ارزیابی می شوند، تخصیص منابع صورت می گیرد و راه حلها مرور گردیده، انتخاب شده و به اجرا گذاشته می شوند. تغییر استراتژیهای توسعه در امر امنیت اقتصادی، تأمین سلامت جانی مردم از طریق تجدید سازمان جامعه و تحول ارزشی و دستیابی به هماهنگی گروهی از طریق ایجاد ملت، جملگی مستلزم توان سیاسی کارآمد، تطابق پذیر و انعطاف پذیر می باشد. موفقیت یا شکست در مقابله با تهدیدات خارجی، نه فقط به توانایی و سخت افزار بلکه به توان

سیاسی که تعیین کننده‌ی اراده‌ی ملی و کیفیت دولت است، نیز بستگی دارد. توان سیاسی دقیقاً به دلیل کمبود شدید منابع، محدودیتهای مربوط به ایجاد توان فیزیکی و جمود ساختاری رایج در جهان سوم، از اهمیت فزاینده برخوردار است.^(۳۰)

و دولتمردان موجب فرهنگ سازی وحدت و امنیت ملی می شود. زشت و زیبا، حقیقت و مجاز، سعادت و رفاه، وحدت و امنیت، شکوفا و نورانی می گردد. سه عامل خرد، دانش و عشق به طور مداوم و خستگی ناپذیر به جستجو می پردازند.^(۳۲)

۱۷- تعریف حوزه‌ی تمدنی ایرانی

حضرت امام خمینی (ره) درخصوص ضرورت بیداری عمومی می فرماید: «...باید کاری کرد که ملت‌ها هر جا هستند، بفهمند تکلیف خودشان را اگر بخواهید و بخواهند و دانشمندان بخواهند و علمای همه بلاد اسلامی و دانشگاه‌های همه بلاد اسلامی بخواهند مشکل اسلام و ممالک اسلامی حل بشود، باید مردم را بیدار کنند؛ این مردمی که با تبلیغات چند صد ساله به آنها باورانده بودند که نمی شود با آمریکا یا با شوروی مخالفت کرد و الان هم باور ملت‌های دیگری هست. باید اینها را به ایشان فهماند که می شود. باید آنهایی که در همه ممالک هستند آنهایی که دلشان برای ملت‌ها می تپد، آنهایی که به اسلام اعتقاد دارند و برای اسلام می خواهند خدمت کنند هر کدام در محل خودشان، ملت خودشان را بیدار کنند تا ملت خودشان را که گم کرده اند پیدا کنند...»^(۳۳)

رواج بی دینی، سکولاریسم، فرقه گرایی، سلفی گرایی و وهابی گری، پان ترکیسم، گسترش بودیسم و پروتستانیسم از جمله چالشهای رویاروی تمدن ایرانی است. با توجه به اهمیت استقلال برای کشورهای حوزه‌ی تمدن ایرانی، باید بروح استقلال به گونه‌ای که با منافع مادر تضاد نباشد تأکید کنیم و در زمینه هویت یابی و رفع بحران هویت در این منطقه به نحو درست عمل نماییم و چتر حمایت فرهنگی خود را بر حوزه‌ی تمدن ایرانی بگسترانیم.^(۳۱)

۱۸- ضرورت تقویت مدیریت دانایی و ضرورت بیداری عمومی

۱۹- ضرورت ایجاد جامعه‌ی مدنی دین مدار جهت تعامل حاکمیت ملی با روند جهانی شدن

در گستره‌ی تحولات بنیادین بین المللی، و رای ساختار دولتهای برخوردار از حاکمیت، همبستگی و همفکری کلی در سطح جهان و نیز ارتباطات معنوی و مادی ویژه میان شهروندان

امروزه سه اصل خودآگاهی، آفرینندگی و آزادی که بیش از همه مکاتب در مکتب آسمانی محمد(ص) مطرح است شعار مدیریت دانایی شده است. در اوایل قرن بیستم که ژان پل سارتر و هایدگر این سه اصل را به عنوان مبانی زندگانی (ونه زنده مانی) اعلام کردند، ملت‌ها در انتظار دستاوردی که مرهون این اصول باشد بودند. دستاورد این اصول امنیت، وحدت، سعادت، عزت، رفاه، موفقیت، حریت و... بود. بازکردن پنجره‌ی دانایی بر روی سیاستگذاران

از جمله اصولی که می‌تواند به تحقق جامعه مدنی در این گونه جوامع کمک کند قانونگرایی واقعی و صوری نبودن قانون است. در جوامع جهان سوم، قانون غالباً جنبه نمایشی و ظاهری زیبا دارد لیکن در عمل بدان رفتار نمی‌شود. معمولاً در نظامهای قانونمدار به افراد از یک منظر و یکسان نگریسته می‌شود و تفاوتی بین ارباب و رعیت لحاظ نمی‌گردد. عدم انطباق منافع گروه مذکور با منافع عمومی، علت عمده‌ی زیر پا گذاشته شدن قانون در این گونه کشورها و نیز محدودیت اطلاع مردم از این گونه منافع خاص محسوب می‌شود.^(۳۵)

۲۱- درک رابطه‌ی دموکراسی با مفهوم امنیت ملی
آنچه امروز بیش از هر زمان دیگر نیاز به تجدید نظر دارد برداشت از مفهوم دموکراسی و درک رابطه آن با مفهوم امنیت ملی است. اصل دموکراسی مدرن بر مبنای مشارکت در تصمیم‌گیری و تحمل آرا و عقاید و برنامه‌ها قرار دارد، اما معنای آن هرج و مرج و تشتت و خانجانی و قانون شکنی نیست. اگر قرار بود دموکراسی با آشوب و زد و خورد و تشنج دائم و در نتیجه ناامنی و ضعف و بی‌تصمیمی سیاسی و اضمحلال اقتصادی، یکسان باشد دموکراسی هرگز در هیچ کشور پیشرفته‌ای پانمی‌گرفت. با عنایت به این نکته مهم است که فرهنگ معاشرت، تفکر، سخن گفتن، مخالفت، گوش دادن و فرهنگ استدلال کردن در جامعه ما محتاج آسیب‌شناسی و خانه‌تکانی است. خود دولت باید در اصلاح این آفات، قدم به میان گذارد و

جوامع ایجاد شده و تعمیق و گسترش آن پیامدهای ویژه‌ای را در پی داشته و دارد. از این رهگذر رابطه و سامانی نو در شیوه‌ی حکومت و تدبیر و اداره‌ی امور ضروری می‌نماید. نظمی که در فرایند تکوین جامعه مدنی جهانی بروز عینی می‌یابد و در برگیرنده‌ی اصولی فراتر از حاکمیت، دولتهای برخوردار از حاکمیت و الگوها و معیارهای جدیدی جهت اعمال صلاحیتهای قانونی و قراردادی است. در این رهگذر قطع نظر از سلطه و اقتدار دولتهای برخوردار از حاکمیت و رژیمهای بین‌المللی دولت محور، به روابط جمعی فراتر از روابط مبتنی بر کسب منافع بیشتر جامعه دولتها توجه می‌شود. بنابراین رابطه و سامان اجتماعی نوینی ضرورت می‌یابد که شیوه‌ی حکومت و اعمال حاکمیت در نوع سنتی را با چالشهای تجربی و ارزشی ژرفی مواجه می‌سازد و قدرت حاکمه را ملزم به رعایت اصول و قواعدی می‌کند که بستر تکوین جامعه مدنی جهانی می‌باشد.^(۳۴)

۲۰- قانونمداری و فرااندیشی

در جوامع در حال گذار از سنتی به مدرن، شکل‌گیری نیروهای جدید اجتماعی یا سربرداشتن بخشهایی از جامعه که پیشتر در حالت انفعال و حاشیه‌ای قرار داشتند و طرح درخواستهای جدید این گروهها، جوامع سست بنیاد را در ورطه امکان بروز آشوبهای اجتماعی فرو می‌برد. اجتناب از غلتیدن به دامن چنین آشوبهایی در سایه وحدت ملی ایجاد شده از رهگذر تقویت نهادهای مدنی امکان‌پذیر است.

- توانمند برای تأمین امنیت و وحدت ملی؛
۴. **سودمندی اطلاعاتی:** دسترسی به منابع قابل اعتماد و اطمینان برای کسب آخرین تحولات در جامعه؛
۵. **سودمندی محلی:** شناخت نیازهای مکانی، بومی، قومی و جغرافیایی برای پاسخگویی به مردم؛
۶. **سودمندی زمانی:** تصمیم‌گیریهای به موقع، قاطع، سریع و خردمندانه برای مقابله با حوادث؛
۷. **سودمندی مدیریتی:** رهبری جامعه با عنایت به شایستگی، تخصص و تجربه جهت اجرای استراتژیها و سیاستگذارهای امنیتی وحدت آفرین، تا در پناه سودمندیهای دیگر رضایت عمومی جلب شود.^(۳۷)
- ۲۳- **ترسیم مرزهای هویتی میان خودی و غیر خودی**
تعریف و تثبیت حریم امنیتی هر جامعه، نخست نیازمند تعریفی از خودی و دیگران و ترسیم مرزهای هویتی بین این دو می‌باشد. اینکه چه کسی دشمن و نامحرم پنداشته می‌شود و چه کسی دوست و محرم؛ مقوله‌ای است که از دیرباز رهبران واحدهای ملی مختلف را به خود مشغول داشته است. از سوی دیگر، تاریخ گواه بر این واقعیت است که مرزبندیهای بین دوست و دشمن همواره لرزان، شکننده و کدر می‌باشند. چه بسا دشمنانی که در جرگه دوستان درآمده‌اند و دوستانی که جامه دشمن برتن کرده‌اند، وجود چنین امواج متلاطمی در مرزهای هویتی، حریم و بستر امنیتی را از انسداد باز داشته و ماهیتی غیر سترون و متلون بدان بخشیده باشند.^(۳۸)
- به دیگران با اعتماد به نفس نشان دهد که از حاکمیت و مشروعیتی قوی برخوردار است. در نگرش مدرن دموکراسی، هیچ عنصری به اندازه‌ی اصل اعتماد در تنظیم روابط دولت و ملت که از ارکان داخلی امنیت ملی است، اهمیت ندارد.^(۳۶)
- ۲۲- **افزایش مشروعیت و مقبولیت همراه با سودمندی عملیاتی برای تحکیم امنیت ملی**
هرملتی مطلوب کلی و مداوم دارد که منافع ملی آن ملت را در بر می‌گیرد. ملتها با تلاش بی‌وقفه برای ایجاد امنیت و وحدت سعی دارند تا مصالح ملی را که موجب صیانت کیان کشور و استقلال بخش ملی است بدست آورند. برای حصول به این مقصود باید سیاستگذاران و تصمیم‌گیران استراتژیک تدابیری اصولی و نسبتاً با ثبات و پایدار که دارای مشروعیت و مقبولیت باشند بپندیشند. این دو عامل مشروعیت و مقبولیت موجب ایجاد اعتقاد و باور عمومی می‌شود به شرطی که همراه با سودمندی عملیاتی باشد. سودمندی ضامن امنیت و وحدت ملی است، مثلث سودمندی دربرگیرنده‌ی راست‌گفتاری، درست‌کرداری و مردم‌سالاری است. به طور خلاصه به این سودمندیهای امنیتی وحدت آفرین اشاره می‌شود:
۱. **سودمندی شکل:** تدوین روشهای کارساز قابل انعطاف برای تعیین اهداف ملی و راههای وصول به آنها؛
 ۲. **سودمندی ملی:** در صحنه نگهداشتن، آگاه ساختن جامعه با راستکاری و امانت‌داری؛
 ۳. **سودمندی سازمانی:** نهادینه سازی ساختاری

۲۴- ایجاد دو حوزه‌ی نظم در جامعه

ما هنوز نتوانسته‌ایم در مقابل نظم گذشته حاکم بر ایران، نظمی که مؤید روابط آزادانه آدمیان در سطح فرهنگی آن هم برای ایجاد امنیت مبتنی بر عقل فعال باشد، ارائه دهیم. در هر جامعه‌ای دو حوزه نظم وجود دارد. یکی حوزه‌ی نظم ساکن با عنوان نظم سیاسی تحکمی و یک حوزه‌ی نظم فعال با عنوان نظم درونی شده‌ی فرهنگی و اقناعی برای تبیین روابط آزادانه فرهنگی میان آدمیان، باید اولین رسالت هر مدیری در جامعه این باشد که چگونه در راه تبدیل علمی نظم تحکمی -سیاسی به نظم اقناعی - فرهنگی و معطوف به آگاهی درونی افراد جامعه گام گذارد و این به معنی تحرک یافتن در حوزه‌ی توسعه است. درحقیقت توسعه نیز جز این تبدیل چیز دیگری نیست.^(۳۹)

۲۵- تخصیص نمودن حوزه‌ی فکری مملکت داری
حوزه‌ی فکری مملکت داری یک امر تخصصی است. یعنی پیچیده‌ترین اندیشه‌ها، سیاستها و دیدگاهها در حوزه‌ی مملکت داری است و به صلاح یک جامعه نیست که تفکر در این حوزه به امر عمومی تبدیل شود و مانند معابر عمومی همه بتوانند در آن ورود و خروج داشته باشند. حوزه‌ی فکری مملکت داری افراد خاص خود را می‌طلبد و نباید جنبه جنجالی، مطبوعاتی و تبلیغاتی به خودگیرد. این حوزه، حوزه‌ی عقل است و نه هیاهو. بنابراین یکی از بهترین راهها برای تسهیل تعامل و تقابل فکری، مراکز و تشکلهای تحقیقاتی و مشورتی است. نخبگان در

حوزه‌ی فکری مملکت داری می‌باید از فرهنگ عمیق نقد، فرهنگ والای صراحت و فرهنگ تحمل و تساهل بهره جویند. نخبه ابزاری از تئوری نخبه فکری بهره می‌برد و نخبه فکری از اطلاعات و حساسیتها و آگاهیهای نخبه ابزاری استفاده می‌کند.^(۴۰)

۲۶- تدوین استراتژی تنوع و تفاهم برای تبدیل تهدیدها به فرصت

عصر ارتباطات ایجاد می‌کند برای مقابله با هر گونه بحران داخلی، اصل «تنوع» و «تفاهم» را در قالب فرهنگ ایران -اسلام، دراستراتژیهای خود لحاظ کنیم. درون جامعه دیدگاههای مختلفی وجود دارد، هرچند در کلیت و در بیرونی ترین لایه ممکن است وحدتی ملاحظه شود، ولی این امر به معنای هرج و مرج و فقدان نظم نیست. براساس ضرورت تنوع و تفاهم، افراد در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند و پیامد آن افزایش ضریب امنیتی جامعه و کاهش احتمال تعرض از جانب شهروندان به یکدیگر است. برای بقای امنیت، ملی اندیشیدن باید برصنفی و گروهی اندیشیدن، برتری داشته باشد و همواره «تنوع» در عین «تفاهم» میان عقاید ملی، مذهبی و سیاسی مدنظر مسئولان باشد.^(۴۱)

۲۷- تدوین استراتژی ملی مبتنی بر تحول فرهنگی و بسط عقلانیت

ایران قبل از هر امر دیگری، به یک استراتژی ملی مورد اجماع همه گروههای مهم سیاسی نیاز دارد. مهم‌ترین وزن در این استراتژی ملی را تحول فرهنگی و بسط عقلانیت در فرهنگ

فردی، عمومی و دولتی به عهده دارد و به طور طبیعی توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، امنیت ملی و سیاست خارجی نقشها و وزنهای منطقی خود را باید داشته باشند.^(۴۲) بنابراین به نفع نخبگان ابزاری است که تشکلهایی را ایجاد کنند تا به صورت مستقل برای افزایش کیفیت و کارآمدی بیشتر (و در راستای تبیین استراتژی ملی) عمل کنند. نهادهای حل المسایلی مانند دانشگاهها لازم است و نهادهای سیاسی باید نهادهای ملی را بوجود بیاورند. دولت در یک زمان نمی تواند هم اندیشه تولید کند و هم اندیشه را اجرا کند.^(۴۳)

۲۸- تدوین استراتژی امنیت ملی

استراتژی امنیت ملی، طرح کلانی است که در آن همه وجوه مسائل امنیتی کشور اعم از امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با پیوندهای منطقی خاص آنها ملحوظ شده باشد.^(۴۴) با پیچیده شدن جهان و تنوع علایق و منافع مختلف افراد و جوامع انسانی، از جمله دولت ملی، ضرورت تدوین استراتژی (امنیت ملی و) سیاست خارجی در دو سطح کلان و خرد بیش از پیش لازم شده است. در سطح جامع، استراتژی عمومی هر نظام، جایگاه و چگونگی بقا، انطباق و تحول آن - از جمله در حوزه ی دولت ملی - را به طور کلی در مقابل دیگر بازیگران و محیط تعیین می کند. این اقدام معمولاً در مراکز چون شورای امنیت ملی، قوه ی مقننه و هیئت دولت تعیین و به عنوان رهنمود برای دستگاه سیاستگذاری به آن ابلاغ می شود.^(۴۵) در تدوین

استراتژی امنیت ملی باید به نکات زیر توجه کرد:
 (۱) شناسایی تغییرات داخلی و محیطی،
 (۲) تعیین اهمیت تغییرات،
 (۳) ارزیابی سیاستهای فعلی نظام،
 (۴) تعیین روند آتی تحولات،
 (۵) مدل سازی مفهومی برای ارزیابی داده های خام،
 (۶) تعیین نتایج بدیل،
 (۷) جهت گیری کلی نظام در قالب استراتژی جامع ملی.^(۴۶)

۲۹- توانایی تخصیص منابع برای امنیت ملی

قدرت بیشتر یک کشور، ضرورتاً امنیت ایجاد نمی کند، حتی باعث ناامنی نیز می شود. به همین دلیل عامل امنیت تابع قانون بازده نزولی از نقطه نظر تخصیص منابع و امکانات است. تعبیر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این قانون این است که بعد از یک حداقل سرمایه گذاری در بخش امنیت، اگر از بودجه های عمرانی و توسعه اقتصادی به طور نامعقول زده شده و به بخش دفاع و امنیت اختصاص داده شود، زمانی خواهد رسید که فقر و نابرابری بر اجتماع غلبه می کند و امنیت جامعه از داخل تهدید می شود، در حالی که اگر همان منابع در بخشهای تولیدی و صنعتی کشور در جهت توسعه به کار رود سودمندی آن چند برابر و نهایتاً نتایجی که برای تأمین امنیت دربر خواهد داشت به مراتب بیشتر خواهد بود.^(۴۷)

۳۰- تقویت سازمانهای غیر دولتی و رفع موانع تأسیسی آنها

در شرح شدت اهتمام پیامبر اکرم (ص) و حضرت

علی(ع) به فعالیت مردمی در مسائل حقوق بشری و توجه دادن حکومت به انجام صحیح وظایف خود آمده است که پیامبر اکرم(ص) در جوانی و قبل از بعثت به جمع جوانانی پیوست که با هم عهد کرده بودند از مظلوم دفاع کنند و مانع زورگویی و تجاوز به مردم گردند و از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که فرمودند: در ایام جاهلیت به پیمانی انسانی دعوت شدم که اگر هم اکنون نیز به چنین پیمانی دعوت می شدم از آن استقبال می کردم و آن دعوت را با شتران سرخ موعوض نمی کردم. حضرت علی(ع) نیز با کلمات زیبا و آزادمنشانه‌ای خطاب به یکی از مدح‌کنندگان خود، مردم را به نقد حکومت و بیان اشتباهات و خطاهای آن ترغیب و تشویق کردند و فرمودند: از زدن حرف حق و دادن مشورت خودداری نکنید و فکر نکنید بیان حرف حق، برای من که حاکم هستم سنگین است.^(۴۸) بنابراین، براساس مطالب فوق، همان گونه که قدرتهای سلطه طلب در جهت امیال نامشروع خویش به شکل دهی و تأسیس سازمانهای غیردولتی در سایر کشورها می پردازند، نهضت اسلامی و طرفداران واقعی حقوق بشر به ویژه در ایران، باید تلاش کنند تا سازمانهای غیردولتی در کشورهای مختلف از جمله در خود کشورهای سلطه گر تشکیل گردد. سازمانهای غیر دولتی طرفدار آرمانهای اسلامی در ایران با توجه به آزادی و استقلال و نیز سلطه ستیزی جمهوری اسلامی ایران، باید تلاش کنند محوریت سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی را در دست گیرند و مانع نفوذ عوامل

قدرتهای سلطه گر بر مصادر این سازمانها شوند. برای شکل‌گیری سازمانهای غیردولتی در ایران، ضروری است تا موانع زیر برطرف گردد:

۱. عدم آشنایی مردم با نقشی که می‌توانند در چنین سازمانهایی ایفا کنند؛
۲. عدم آشنایی دستگاههای دولتی از تأثیر این سازمانها در سطح بین‌الملل در جهت تقویت امنیت ملی خود؛
۳. فقدان تعریف مشخص از این سازمانها نزد وزارت کشور به عنوان متولی ساماندهی آنان؛
۴. فرهنگ ضعیف مشارکت در کشور؛
۵. سطح پایین منابع مالی این قبیل سازمانها؛
۶. عدم آشنایی مردم و دستگاههای دولتی یا ضوابط کسب مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛
۷. عدم دسترسی به اطلاعات سازمان ملل متحد؛
۸. عدم حمایت مالی دولت برای شکل‌گیری این سازمانها؛
۹. نبود تسهیلات ویژه برای آنها.^(۴۹)

۳۱- توانایی مصلحت‌اندیشی و ایجاد تعامل میان منافع ملی و بازیگری در نظام بین‌المللی

از دیگر اهرمهایی که ملازمه دائمی با جاودانگی اسلام و قابلیت تحقق احکام آن در زمانها و مکانهای گوناگون است، احکام حکومتی و مسئله محوری مصلحت نظام است. به این معنا که حکومت اسلامی در وضعیت و نیازهای جدید با توجه به اصول و مبانی اساسی اسلامی می‌تواند به اتخاذ تصمیم و وضع مقررات جدیدی بپردازد که در گذشته از نظر موضوعی

منتفی بوده است. براین اساس، باب مخصوصی در فقه اسلامی تحت عنوان باب تزاحم اهم و مهم جهت آسان کردن کار فقها و کارشناسان در موارد برخورد و اجتماع مصالح و مفاسد گوناگون گشوده شده است تا با بررسی کارشناسانه از سوی فقها درجه اهمیت مصالح سنجیده و مصالح اهم بر مهم تقدم یابند. نامه حضرت امام(ره) به آیت الله خامنه‌ای در پی تفسیری که ایشان از نظرات حضرت امام در خطبه‌های نماز جمعه در دیماه ۱۳۶۶ به عمل آورده بودند- که دایره مدار اختیارات حکومت را مصالح کشور و اسلام قلمداد فرمودند افق جدیدی را فراروی کسانی که تا آن روز اختیارات حکومت را در چارچوب رفع ضرورت و اضطرار عسر و حرج ارزیابی می‌کردند، گشود. با این فتح باب، کارگزاران نظام برای حل مسائل و مشکلات عدیده‌ی کشور ناچار نبودند به دنبال عناوین ضرورت و اضطرار بگردند و به اثبات ضرورت بپردازند. حضرت امام(ره) با ژرف‌نگری خاص خود بیش از هر کس نگران اتهام ناتوانی اسلام برای اداره‌ی کشور و بلکه جهان بودند و بهتر از هر کس می‌دانستند که اداره‌ی کشور در نظام بین‌المللی کنونی نیازمند اهرمی انعطاف‌پذیر با محوریت مصلحت نظام و کشور است. لذا در پیامی که برای اعضای مجمع تشخیص مصلحت فرستادند، اعضای شورای نگهبان را مورد خطاب قرار دادند و به آنها گوشزد فرمودند:

«...تذکری پدران به اعضاء عزیز شورای

نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند... حکومت، فلسفه عملی برخورد با کفر و شرک و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند... باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت اداره‌ی کشور نشود...»^(۵۰)

۳۲- تعامل در رابطه با قاعده‌ی نفی سبیل به جهت اجتناب ناپذیر بودن عضویت در سازمانهای بین‌المللی

وقتی بیشتر سهام مؤسسات مالی بین‌المللی و در نتیجه اکثر آرای آنها در اختیار کشورهای توسعه یافته باشد، طبیعی است که این کشورها و در رأس آنها آمریکا هستند که وام‌گیرندگان، میزان و شرایط وام را تعیین می‌کنند و اعطای هیچ وامی به این کشورها خالی از شرط و شروط تغییر ساختار اقتصادی و... نیست. این مطالب به وضوح نشان‌دهنده‌ی روند سلطه در مؤسسات و سازمانهای بین‌المللی است و مواردی که در بالا اشاره شد، بیانگر گوشه‌ای از عملکرد این نهادها می‌باشد. حال آیا می‌توان حکم به ممنوعیت قراردادن متولی غیرمسلمان بر موقوفات مربوط به مسلمانان داد، ولی نبض اقتصاد کشور را به دست بیگانگان سپرد و این عمل را «نفی سبیل» به حساب نیاورد؟

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که تار و پود آن رافقه جعفری تشکیل می‌دهد و مدعی تحقق بخشیدن به اصول اسلامی است،

جلوگیری از حاشیه‌ای شدن در اقتصاد جهانی، حاکمیت عقلانیت بر نگرشها و تصمیم‌گیریها می‌باشد. (۵۲)

۲- تغییر در ساختار اقتصادی

تداوم سیاستهای گذشته و حفظ ساختار اقتصادی موجود بهترین ضامن روند نزولی جایگاه ایران در بازارهای جهانی است. در حالی که با توجه به استعدادها، منابع و توان بالقوه‌ی بالای داخلی و رفع کاستیهای موجود به کمک عوامل خارجی، ایران به آسانی می‌تواند حضور بسیار جدی‌تری در بازارهای جهانی داشته باشد. برای نیل به این هدف، ایران باید سریعاً با یک جهش از گروه چهارم به گروه سوم (اقتصادهای پویا) حرکت کند و این کار بدون ایجاد تحول اساسی در ساختار اقتصادی ناممکن خواهد بود. (۵۳)

۳- منافع ایران در پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO)

ماناچار هستیم دیر یا زود پذیرای اصول مندرج در اساسنامه سازمان تجارت جهانی شویم. ممکن است در کوتاه مدت دچار صدماتی شویم ولی در بلندمدت به نفع ما خواهد بود که خودمان را منطبق با ضوابط مسلط نماییم. اول اینکه، چون ما دچار ضعف مدیریت هستیم و این سازمان نوعی مدیریت خاص را القاء می‌کند که چاره جوی مشکلات مدیریتی ما خواهد بود. دوم اینکه، عصر، عصر رقابت است و مسئله گردش آزاد کالا مطرح است و ما باید بر اساس ضوابط سازمان موانع گمرکی را حذف کنیم.

با عضویت فعال خود در سازمانهای بین‌المللی این سؤال اساسی را مطرح می‌کند که این حضور به معنای نادیده گرفتن قاعده‌ی نفی سبیل و به عبارتی ضعف نظری نظام اسلامی نیست. بنابراین آیا این نظام دارای اهرمهای انعطاف‌پذیر در انطباق مقتضیات زمان با احکام اسلام هست یا نه و اگر هست این اهرمها کدامند و چگونه به خدمت گرفته می‌شوند؟ (۵۱)

ب- راهکارهای ملی (در خصوص سازمانها، مؤسسات اقتصادی، تجاری بین‌المللی، بانک جهانی، WTO و صندوق بین‌المللی پول)

۱- ضرورت رقابتی نمودن اقتصاد کشور
امروزه جهان از سه مزیت برخوردار است که ما فاقد هر سه هستیم: تکنولوژی بالا، تولید انبوه و اتحادیه‌های منطقه‌ای. از ۶۸۸۱ میلیارد دلار صادرات جهانی تنها ۲۰ میلیارد دلار آن به ایران تعلق دارد؛ بیکاری حدود ۱۶٪ است و از نظر تکنولوژی، تکنولوژی نسل قبل را استفاده می‌کنیم و لذا در اقتصاد جهانی ما در حال حاشیه‌ای شدن و منزوی شدن هستیم. ما امروزه شاهد فرار سرمایه‌های مالی و انسانی از کشور می‌باشیم. این در حالی است که حجم سرمایه‌های مالی ایرانیان مقیم خارج ۶۶۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. از عوامل دیگر تهدیدکننده‌ی امنیت ملی ایران تنزل قدرت نسبی اقتصادی در سطح منطقه است. ما اگر نتوانیم اقتصاد خود را رقابتی کنیم، حاشیه‌ای خواهیم شد. لازمه داشتن یک اقتصاد رقابتی و

خارجی به نوعی همسو و مکمل حرکت توسعه کشور باشد.

۴. شرط کافی برای کسب موفقیت، داشتن مزاد تولید در زمینه کالاها و خدمات با کیفیت بالا خواهد بود. باید توجه داشت که در حال حاضر تولیدات ما حتی از نظر کمی تأمین کننده‌ی نیازهای داخلی نیست. ۵. بسیار ضروری است که در جهت ایجاد جبهه واحد از کشورهای جهان سوم اقدام گردد.

۶. از آنجا که اتحادیه‌ها و مناطق آزاد تجاری از اجرای اصول WTO معافند، لازم است ایران به تقویت دو اتحادیه منطقه‌ای اکو و دریای خزر پردازد. (۵۵)

۵- تقویت و گسترش جهانی شدن از پایین
همان طور که اشاره شد جهانی شدن از بالا نهایتاً در خدمت کشورهای پیشرفته صنعتی است یعنی گروه هشت کشوری که در نظام مالی و اقتصادی جهان تصمیم گیرنده هستند. اما جهانی شدن از پایین یک جریان مردم‌گرا است و مؤلفه‌های اساسی آن حقوق بشر و آزادیهای اساسی، حفظ محیط زیست و توسعه پایدار است. در این رابطه بسیاری از گروه‌ها و سازمانهای بین‌المللی غیر دولتی نقش اساسی دارند و تنها دولت‌ها نیستند، بلکه گروه‌ها و دستجاتی هستند که براساس ارزشهای مردمی و انسانی صرف در قبال روند جهانی شدن از بالا موضع‌گیری می‌کنند. مؤلفه حقوق بشر، به نوبه خود در مسئله حاکمیت دولت‌ها و هم در

بنابراین چون بحث رقابت مطرح است، کیفیت کالا اولویت می‌یابد. ایران و کره‌ی جنوبی هر دو در یک زمان سیستم مونتاژ را آغاز کردند. کره‌ایها موفق شدند به تولید و صادرات اتومبیل برسند و ما نه تنها در مرحله مونتاژ توقف کردیم، بلکه مونتاژ ما هم رو به افول رفته است. بنابراین اگر رقابت مطرح باشد، ما چاره‌ای جز بالابردن کیفیت کالاها‌ی خود نداریم. (۵۴)

۴- تلاش در جهت ایجاد شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی

اکثریت قریب به اتفاق صاحب‌نظران و مسئولان با توجهات مختلف، حضور در WTO را برای ایران اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. چنان که اعلام نظر مثبت کمیسیون بررسی آثار الحاق ایران به WTO نیز مؤید آن است. بنابراین تنها بحث چگونگی عضویت و شناخت راههای کاهش آسیب‌پذیریهای ناشی از اجرای قوانین WTO مطرح می‌باشد. برای این منظور باید نکات زیر را مورد توجه قرار داد:

۱. بررسی عوامل داخلی اعم از قوانین، امکانات، سیاستهای اقتصادی، اهداف توسعه، مشکلات و تنگناهای اقتصادی و سیاسی، مسائل فرهنگی و...

۲. بررسی عوامل بیرونی به عنوان واقعیات موجود که می‌تواند ما را در دستیابی به اهداف مورد نظر کمک کند و یا مانع از تحقق آنها گردد.

۳. تنظیم برنامه و تعیین سیاستهای توسعه به صورتی که حضور سرمایه یا تولیدات

خط مشی و رویه دولتها در برخورد با مردم و جوامع داخلی خود تأثیر ویژه‌ای دارند.^(۵۶) لذا ضروری است تا ایران با تلاش در جهت توسعه درونزا، جهانی شدن از پایین را تقویت و گسترش دهد تا بتواند ضمن حضور موفق در مجامع، سازمانها در عرصه‌های مختلف روابط بین‌المللی از تهدیدهای ناشی از جهانی شدن از بالا بر امنیت ملی خود بکاهد.

۶- ایجاد موازنه منصفانه میان جهانی شدن از بالا و جهانی شدن از پایین (ضرورت نگاه عقلانی به روند جهانی شدن)

با طرح گفتگوی تمدنها، یکی از جایگاههایی که ما می‌توانیم داشته باشیم، ایجاد موازنه منصفانه میان جهانی شدن از بالا و جهانی شدن از پایین است. یعنی یکی از زمینه‌های مهم گفتگوی تمدنها که می‌تواند آثار ملموسی داشته باشد، ایجاد موازنه منصفانه میان این دو روند جهانی شدن است تا به یک مرکزیتی هدایت شود که قابل قبول برای اکثریت جوامع بشری باشد.^(۵۷) از سوی دیگر اگر ما، قرار گرفتن در روند جهانی شدن را بپذیریم که شاید راه فراری نباشد، به دلیل اینکه ما به عنوان یک عضو نسبتاً قابل توجه نظام بین‌المللی باید در فرایند جهانی شدن مؤثر باشیم. باید بپذیریم که این فرایند، به عنوان یک استراتژی بین‌المللی مطرح است. استراتژی بین‌المللی کمتر قابل رقابت است و مقاومت کردن در مقابل این استراتژیها موجب صرف هزینه‌های زمانی و مالی فراوان می‌شود، بدون اینکه نتایج مطلوبی

بدست آید. ولی اگر چارچوب جهانی شدن را که در حقیقت همان نظام بین‌المللی است، بپذیریم و باشیوه‌ی مسالمت آمیز به سمت این استراتژی بین‌المللی حرکت کنیم، می‌توانیم در سطح خرد، ارزشهای خودمان را نگهداریم، یعنی تفکر انقلابی خود را حفظ کنیم.^(۵۸)

۷- پایداری در قبال آثار منفی جهانی شدن

برای پایداری در قبال آثار منفی جهانی شدن از بالا، راهی جز تجدیدنظر در ساختار مالی، اقتصادی خود نداریم. در غیر این صورت ما مقهور این جریان خواهیم شد. منطق و خردگرایی ایجاب می‌کند که ما سعی کنیم واقعیتها را بشناسیم و به جای حالت انفعالی، سعی کنیم راههای منطقی و چگونگی سازگاری با این جریان را در پیش بگیریم تا از جنبه‌های مثبت جهانی شدن به نحو احسن بهره‌برداری کنیم. بنابراین واقعیتهای جهان امروز اقتضا می‌کند که ما واقعگرا باشیم و بادیید خردمندانه بامسائل برخورد کنیم و سعی کنیم تا آنجا که ممکن است سازگاری و همزیستی لازم را با این جریانها در پیش بگیریم و راهکارهایی اتخاذ کنیم تا آثار منفی جهانی شدن را کمتر کنیم.^(۵۹)

ج- راهکارهای فراملی

۱- تعقیب سیاست تشنج‌زدایی و تثبیت امنیت منطقه‌ای

ما باید دارای روابط منطقه‌ای و همکاریهای جمعی باشیم، منافع خود را با کشورهای منطقه پیوند دهیم. در این زمینه، نظامی همانند اکو بسیار

کارساز است. این به معنای بازار منطقه‌ای مشترک است. ما از طریق همکاری و مشارکت در دریای خزر، همکاری اقتصادی و بهره‌برداری مشترک از منابع خلیج فارس، میدانهای نفتی و غیره می‌توانیم پیوندها را مستحکم‌تر سازیم. محور دوم، مشارکت در امنیت منطقه‌ای و امنیت پایدار جمعی است، به صورتی که اگر کشوری خواست امنیت ایران را به خطر اندازد به ناچار امنیت کل منطقه را تهدید کند. محور سوم، تشنج‌زدایی و پشت سر گذاشتن بحرانهاست، یعنی اجازه ندهیم ناامنی و بحران در اطراف ما باشد مثل مداخله مادر قره باغ، در افغانستان، مداخله در حل مسئله کردستان که احتمالاً به عنوان یک مشکل طرح خواهد شد. مداخله در حفظ تمامیت ارضی عراق، به ویژه آن، با منافع ملی ما سازگار است.^(۶۰)

۲- تشویق کشورهای منطقه و سازمانهای منطقه‌ای به توافق دوجانبه و چند جانبه با ایران

همکاری با دنیای عرب بخصوص مصر و عربستان که هم سطح ایران هستند برای تأمین منافع ملی، ائتلافهای محتمل منطقه‌ای و رفع نگرانیهای امنیتی متقابل و ایجاد یک قطب متقابل سیاسی در برابر همکاریهای ترکیه و اسرائیل از اهمیت خاصی برخوردار است. توسعه اقتصادی در داخل، محتاج تقلیل نگرانیهای امنیتی از بیرون است. بنابراین، دیپلماسی حضور در منطقه از طریق تحکیم ائتلافها مؤثر خواهد بود.^(۶۱) اما از بعد دیگر، عوامل مخل امنیت و ثبات در بیرون،

۳- تلاش در جهت اصلاح مکانیزم حاکم بر قدرت آراء در سازمان ملل متحد

به هر حال با توجه به ساختار و اولویتهای اکثر رژیمهای خاورمیانه‌ای، به نظر می‌رسد که چشم انداز توافقی دوجانبه و گاهی چندجانبه بهتر از آینده‌ی نهادهای منطقه‌ای باشد.^(۶۲)

سازمان ملل متحد در عین حال که باید به مشکلات داخلی خود برای افزایش کارایی و اعتبار پردازد، بازخیمهای کهنه و التیام نیافته‌ای در روابط بین‌الملل سروکار دارد که بدون درمان آنها نخواهد توانست به بازسازی و خودسازی پردازد. کانونهای ناآرام در دنیای پس از جنگ سرد به شدت در حال گسترش است. انبوه مشکلات رویاروی سازمان ملل، هر یک منابع مادی و معنوی گسترده‌ای را می‌طلبند و سازمان ملل متحد با امکانات و ساختار فعلی قادر به برخورد با آنها نیست. بی‌گمان این سازمان تنها تا آن حد می‌تواند فایده و کارایی و اثربخشی داشته باشد که اعضای آن بخواهند. همین تناقض آشکار حیات آینده‌ی این ارگان جهانی

را درهاله‌ای از ابهام و تردید فرو برده است.^(۶۴) از سوی دیگر، موضوعی که در بهبود مدیریت اقتصاد جهانی و تصمیم‌گیری اهمیت بسیار دارد، اصلاح مکانیزم حاکم بر قدرت آراء در نهادهای مالی چند جانبه عمده است. باید این تقاضا (بخصوص از طریق سازمان ملل متحد) مصرانه مطرح شود که لازم است مقررات فعلی که کمک‌دهندگان بزرگتر، یعنی کشورهای توسعه‌یافته کنترل کاملی بر مؤسسات اقتصادی بین‌المللی دارند، تجدید نظر و به نحوی اصلاح شود تا برای کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه جنوب و زنه و اعتبار بیشتری قائل شوند.^(۶۵)

برای اثرگذاری بر روند فعالیتهای سازمان ملل متحد و اصلاح ساختار آن، دربندهای زیر، تعیین‌کننده‌ترین مواردی را که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در قلمرو دیپلماسی فعال و هوشمندانه خود به آنها بپردازد، مشخص شده است:

۱. شورای امنیت باید مرکب از اعضای کاملاً مسئول باشد که تمامی آنها بر اساس یک دستورالعمل دموکراتیک تعیین شده از سوی مجمع عمومی منصوب گردند.
 ۲. همه‌ی اعضاء باید در رابطه با سهمیه‌های مالی خود در سازمان ملل، اصول دموکراتیک اداره‌ی امور و تولید درآمد را اعمال کنند.
 ۳. قانون برابری مطلق دولتهای عضو باید کاملاً محترم شمرده شود.
 ۴. مجمع عمومی باید ماده‌ی ۵۸ منشور را
- فعال سازد و با احیای مواد ۵۷، ۶۳ و ۶۴ رهبری خود را در زمینه سیاستگذاری در باب مسائل کلان اقتصادی و اجتماعی اعمال نماید و همه سازمانهای تخصصی از جمله بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی را تحت هدایت سیاستگذارانه خود درآورد.
۵. شورای اقتصادی و اجتماعی باید در راستای احیای مسئولیتهای خود به طور کامل فعال شوند.
۶. باید از انکتاد حمایت نهادی و مالی نیرومندی به عمل آید تا بتواند همچنان نقش مهم خود را در زمینه حل مسائل توسعه جهان ایفا کند.
۷. باید برای اصلاح نهادهای برتون وودز فرایند بزرگ و جامعی میان دولتها آغاز شود.
۸. باید در داخل سازمان ملل متحد برای تکوین چارچوبی از بررسی و تنظیمات بین‌المللی ناظر بر فعالیت و سیاستهای شرکتهای چند ملیتی، مکانیسم مؤثری ایجاد گردد.^(۶۶)
- ۴- تلاش در جهت جلوگیری از تثبیت قدرت هژمونیک آمریکا در سازمان ملل متحد
- جامعه‌ی بین‌المللی هنگام بررسی گامهایی که به سمت درجه بالاتری از «حکومت جهانی» برداشته می‌شود، باید مطمئن گردد که ترتیبات جدید این اجازه را نمی‌دهد که سازمان ملل همچنان ابزاری مناسب مورد استفاده‌ی قدرتمندان قرارگیرد تا کنترل خود را بر کسانی

سازمان پیشرفت کرد، اما در سطح محدودی باقی ماند. به نظر می‌رسد تحولات فوق‌الذکر در سطوح مختلف، شرایط مناسبی برای عبور از مرحله فعلی و ارتقاء روابط ایران و سازمان کنفرانس اسلامی فراهم آورده باشد. بدین سان که از یک سو تحولات کشور و منطقه زمینه‌ساز حضور جدی سران کشورهای عضو در تهران شد، که این امر خود منجر به جایگاهی بهتر در سازمان برای ایران گردید. و ریاست ایران بر سازمان در طول سه سال در روابط ایران و سازمان و اعضاء آن تأثیر مثبت و دراز مدت گذاشته است. و از سوی دیگر امید می‌رود تغییر در موازنه نیروهای مؤثر در فرایند تشکل در سازمان موجبات بهبود موقعیت ایران را در سازمان فراهم آورد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که راه تبلور موقعیت ایران به عنوان یکی از اعضای مهم جهان اسلام گشوده شود.^(۶۸)

۶- راهکارهای فراملی در قبال دادگاه کیفری

بین‌المللی

پیش‌بینی تحولات حقوقی در سده‌ی ۲۱ و فراهم نمودن زمینه‌های آمادگی کشور در ابعاد نظری و عملی، مسئولیتی است که بر دوش همه مسئولان به‌ویژه مقامات قوه‌ی قضاییه قرار دارد. از جمله این تحولات متولد شدن دادگاه کیفری بین‌المللی است که اتباع کشورها را در هر مقامی که باشند، به پیروی از مقررات خود فرامی‌خواند. درست است که پیوستن به معاهدات بین‌المللی، وجهه کشور را از جهات مختلف در سطح جهانی بالا می‌برد و روابط

که در یک مبارزه‌ی بسیار نابرابر و برای ایستادگی در برابر فشارها تنها ابزارهای دفاعی ضعیفی دارند، افزایش دهند. در وضع فعلی نیز توزیع محدودیت‌هایی که بر حاکمیت کشورها تحمیل شده فوق‌العاده نابرابر است. هیچ چیز این مطلب را روشن‌تر از عدم تقارن مسئولیت‌هایی که در زمینه تعدیلهای اقتصادی متوجه کشورهاست نشان نمی‌دهد.^(۶۷) اینها همه ناشی از روند تثبیت قدرت هژمونیک آمریکا در مجامع بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل است. اگر قدرت هژمونیک آمریکا در سازمان ملل تثبیت شود، زنگ خطری برای همه کشورهای ضد هژمون به‌ویژه ایران خواهد بود.

آمریکا در طول دهه ۹۰، با تمام کشورهای که آنها را یاغی معرفی کرده برخورد نموده است. با سودان، کره و عراق و حالا فقط ایران مانده است. پس اگر این کشور هژمون قدرت خو را تثبیت نماید، این را باید به عنوان یک عامل خطر بدانیم. بخصوص اینکه آمریکاییها الان مشروعیت عمل را در سیستم بین‌المللی نیز پیدا کرده‌اند. موانعی مثل آن عقده‌ی ویتنام که در سومالی تشکیل شد را دارند کنار می‌گذارند. در افغانستان ظرفیت عملیاتی- نظامی به دست آوردند، و این تهدیدی است که در دراز مدت متوجه ما خواهد بود.^(۶۸)

۵- راهکارهای فراملی در رابطه با سازمان کنفرانس اسلامی

پس از توجه مجدد ایران به سازمان کنفرانس اسلامی در پایان جنگ تحمیلی، روابط ایران و

بین‌المللی را ساده‌تر می‌کند، اما اگر این پیوستن، بدون فراهم آمدن زمینه‌های الحاق انجام شود و امکان انجام بخشی از تعهدات ناشی از الحاق به یک کنوانسیون فراهم نباشد نتایج الحاق بسیار ناگوارتر از عدم الحاق است. در مورد

دیوان کیفری بین‌المللی، قبل از تصمیم‌گیری درباره‌ی آن سه موضوع مهم باید مورد بحث و بررسی دقیق قرار گیرد تا امکان پذیرش یا عدم پذیرش مفاد اساسنامه ارائه شده در کنفرانس دیپلماتیک رم، در ۱۹۹۸، فراهم شود:

۱. جایگاه حقوق بین‌الملل در حقوق ایران؛
۲. حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی و حقوق ایران؛

۳. سیستم دادرسی کیفری ایران از جنبه بین‌المللی.^(۷۰)

بنابراین ایران در رابطه با دادگاه کیفری بین‌المللی باید راهکار انطباق میان احکام متعالی اسلام با قوانین موضوعه دادگاه کیفری بین‌المللی و نیز راهکار مشارکت فعال برای همکاری با دادگاه، نفوذ بر دادگاه و حتی الامکان تلاشی در جهت تغییر قوانین چالش‌زا با منافع ملی ایران و در نهایت به تولید مشروعیت انتخاب نماید.

د- راهکارهای فراملی (در استفاده از فرصت در نظام اقتصاد جهانی)

۱- تعقیب استراتژی همگرایی

ما باید استراتژی همگرایی را دنبال کنیم. انسجام ملی، رفاه عمومی، وحدت نظر نخبگان

نظام در پذیرش نوع تهدیدی که وجود دارد و وحدت نظر در نحوه‌ی برخورد با کشورهای شورای خلیج فارس، نزدیکی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز همه در راستای استراتژی همگرایی باید دنبال شود.^(۷۱)

۲- تعقیب استراتژی بازدارندگی

رویدادهایی مانند جنگ عراق با ایران، بحران خلیج فارس، رقابتهای هسته‌ای میان هند و پاکستان از یک طرف و اختلاف اسرائیل و کشورهای اسلامی از طرف دیگر، ثابت می‌کند که ورود به جنگ بدون پشتوانه بازدارندگی (هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و موشکی) تجربه موفق نخواهد داشت. ایران از دو جهت مورد ستیزه قرار دارد: (۱) افزایش نسبتاً دائم و پایدار قدرت نظامی کشورهای منطقه، (۲) رشد سریع تکنولوژی جنگ افزار هسته‌ای و موشکهای بالستیک. به طوری که با رقابت تسلیحاتی نمی‌تواند به دلایل گوناگون (مالی، فنی، سیاسی) برتری نظامی خود را حفظ کند و شایسته است راهکارهایی غیرسنتی برای بازدارندگی بیابد و تحقق این مهم، داشتن راهبرد را بیش از پیش ضروری می‌سازد. در حال حاضر وضعیت ایران تقریباً مشابه وضعیت آسیب‌پذیری شوروی در دهه ۱۹۵۰ است، می‌توان نتیجه گرفت که برای بیرون شدن و رهایی از آسیب‌پذیری، بازدارندگی پاسخی خرد پسند است.^(۷۲)

۳- تعقیب استراتژی وابستگی متقابل (اجتناب ناپذیر بودن وابستگی متقابل)

منظور از وابستگی متقابل، وابستگی به نظام

بین‌المللی است که اینک به مثابه شرط موجودیت دولتها به‌ویژه برای تأمین بقای آنها با جلوگیری از یک جنگ بزرگ و با حفظ

حداقل لزوم تجارت بین‌المللی و دیگر مبادلات برای همه دولتها به صورت عام درآمده است. در سراسر دهه ۱۹۷۰ حتی ابرقدرتها خودبستگی

خود را از دست می‌دادند، آمریکا به واردات نفت و شوروی به واردات غله و تکنولوژی غرب وابسته می‌شدند. البته هر دو توانستند این

روند را معکوس کنند و جریان قطع این واردات را پشت سرگذارند، اما با قیمتی که به سرعت افزایش می‌یافت. در مورد هر دو، وابستگی به

صادرکنندگان عمده چنان زیاد شده است که به قبول وابستگی رشد‌یابنده‌ی متقابل منجر شده است. خیلی زود پس از آنکه مسئله جانشینی

«مائو» در چین حل شد، رهبران جدید فلسفه خودبستگی همیشگی مائو را کنار گذاشتند و این تأیید می‌کند که روند مزبور عام است.^(۷۳)

بنابراین بدون وابستگی متقابل، بازیگری در عرصه روابط بین‌الملل محال است. امدارایت و تیزهوشی دستگاه سیاست خارجی و مفاد

استراتژی روابط خارجی ایران می‌تواند تهدیدها و چالشهای ناشی از وابستگی متقابل را به شدت کاهش دهد.

۴- تلاش در جهت پیشگیری از تهدیدهای جهانی شدن

بدون شک یکی از مهمترین مکانیزمهای پیشگیری از تهدیدهای جهانی شدن گفتگو و تعامل و بازیگری فعال و منطقی است. حال آیا

گسترش پدیده‌ی جهانی شدن، جایی برای گفتگوی تمدنها باز می‌گذارد؟ به نظر می‌رسد چنانچه فرآیند جهانی شدن:

الف) به رهایی دولتها، ملتها از سیطره‌ی انحصاری ابر قدرتهای سود و سرمایه بینجامد؛

ب) حاکمیت ملتها را بر سرنوشت خود در عرصه سیاسی، فرهنگی به رسمیت بشناسد؛

ج) به بسط و تعمیم نهادهای مدنی در کشورهای در حال توسعه یاری برساند؛

د) از قدرت انحصاری ناشی از تکنولوژی اطلاعات بکاهد و در توزیع و تقسیم قدرت رسانه‌ها، و وسایل ارتباط جمعی، سهم متوازی برای همه دولت - ملتها قائل شود.

(منظور امکان برابر در تبادل آزاد اطلاعات است)

ه) بخش مشخصی از مشارکت و تعاون جهانی را در یک فرآیند دموکراتیک از اتحادیه‌های قدرتمند اقتصادی، سیاسی غرب به حوزه‌ی دیگر تمدنهای در حال شکوفایی منتقل سازد...

آنگاه می‌توان با ایجاد فرصتهای برابر نه تنها چالشها و عوارض منفی جهانی شدن را مهار کرد. بلکه از راه گفتگو قادر خواهیم بود

دستاوردهای این فرآیند را در راه بسط و تعمیم صلح، امنیت، عدالت و دموکراسی جهانی به

کارگیریم.^(۷۴) چنانچه «دانیل بل» جامعه شناس آمریکایی می‌گوید: «ممکن است ملتی خیلی کوچک، مسائلی بزرگ را حل کند و ملتی بزرگ

مسائل ناچیز را رفع کند. جهانی شدن دلیلی برای احیای هویت‌های فرهنگی محلی در قسمتهای مختلف جهان است.» (۷۵) بنابراین بدیهی است جمهوری اسلامی ایران خواهد توانست با تبیین استراتژی «روش معاشرت با جهان» از مکانیزمها و فرصتهای مناسب روابط بین الملل برای تأثیرگذاری بر روند جهانی شدن و کاستن از تهدیدهای آن استفاده نماید.

پانوشتها

۱. قراگزلو، محمد، «جهانی شدن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۸-۱۷۷، ص ۸۰.
۲. بیگدلی، علی، «جهانی شدن و امنیت ملی ایران»، ماهنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۲۲-۲۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۸.
۳. قراگزلو، محمد، پیشین، ص ۹۵-۹۲.
۴. افتخاری، اصغر، «امنیت در حال گذار»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹، ص ۳۶.
۵. بیگدلی، علی، پیشین، ص ۸.
۶. افتخاری، اصغر، پیشین، ص ۳۷.
۷. سیمبر، رضا، «حقوق بشر میراث مشترک جهانی در آستانه سده بیست و یکم»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۴-۱۳۳، ص ۱۳-۱۲.
۸. «نظم نوین جهانی در گفتگو با کوفی عنان»، ماهنامه برداشت، سال اول، شماره دوم، تیرماه ۱۳۸۱، ص ۸۷.
۹. باوند، داودهرمیداس، «جهانی شدن و امنیت ملی ایران»، ماهنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۲۴-۲۳، خرداد و تیر ۱۳۸۰، ص ۵.
۱۰. اکبریان، رضا، «سازمان جهانی بازرگانی و نقش آن در جهانی شدن اقتصاد»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۸-۱۷۷، ص ۱۷۵.
۱۱. مک کرکیدال(و) فربرادر. «جهانی شدن و حقوق بشر»، ترجمه صفر علی محمودی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۶-۱۷۵، ص ۱۰۴.
۱۲. همان، ص ۱۰۰.
۱۳. همان، ص ۱۰۵-۱۰۴.
۱۴. همان، ص ۱۰۷.
۱۵. «امنیت ملی در سال ۱۳۹۷، فصلنامه خاورمیانه، سال پنجم، شماره ۳-۲، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، ص ۲.
۱۶. سریع القلم، محمود، «عقلانیت و آینده‌ی توسعه یافتگی ایران»، پیشین، ص ۲۰۴.
۱۷. مجتهدزاده، پیروز، «تأثیر تغییر و تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین المللی بر امنیت ملی ج.ا.ا»، پیشین، ص ۳۷.
۱۸. باوند، داود هرمیداس، پیشین، ص ۹.
۱۹. «چکیده گزارش دومین همایش امنیت ملی جمهوری اسلامی، آسیب‌پذیریها و تهدیدات»، نامه رسمی معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه به وزارت کشور، شماره ۲۲-۲۴۰/۶۰۰ مورخ ۵/۷/۸۰، ص ۲.
۲۰. ره پیک، حسن، «آسیب‌پذیریهای داخلی و تهاجم فرهنگی» فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۸۷.
۲۱. «چکیده گزارش دومین همایش امنیت ملی جمهوری اسلامی...»، ص ۳.
۲۲. سریع القلم، محمود، پیشین، ص ۲۷۰.
۲۳. همان، ص ۲۴.
۲۴. «امنیت ملی در سال ۱۳۹۷»، پیشین، ص ۳.
۲۵. «چکیده گزارش دومین همایش امنیت ملی جمهوری اسلامی...»، پیشین.
۲۶. کاظمی، سیدعلی اصغر، روابط بین الملل در تئوری و در عمل، (تهران: قومس، ۱۳۷۲)، ص ۱۷۱-۱۷۰.
۲۷. عطارزاده، مجتبی، «تأثیر رویکرد جدید مفهوم امنیت بر امنیت ملی ج.ا.ا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۰۰.
۲۸. سریع القلم، محمود. پیشین، ص ۲۰۷.
۲۹. همان.
۳۰. آزر، ادوارد (و) این مون، چونگ، امنیت ملی در جهان سوم، (تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹)، ص ۳۸۴-۳۸۳.
۳۱. «چکیده گزارش دومین همایش امنیت ملی جمهوری اسلامی...»، پیشین، ص ۶.
۳۲. بیان، حسام‌الدین، «دیدگاههای نوین در امنیت و وحدت ملی»، مجموعه سخنرانیها و مقالات همایش امنیت عمومی و وحدت ملی (تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی وزارت کشور، ۱۳۸۰)، ص ۱۹۳-۱۹۱.
۳۳. «تبلیغات (هنر و رسانه‌ها) از دیدگاه امام خمینی(ره)»، پیشین، ص ۱۵۳-۱۵۲.
۳۴. شریفی، حسین، «رویارویی حاکمیتها و جهانی شدن حقوق بشر»، فصلنامه راهبردی، شماره ۲۳ (بهار ۱۳۸۱)، ص ۱۷.
۳۵. عطارزاده، مجتبی، «دولت، جامعه مدنی و امنیت در ج.ا.ا».

- ۱۱۹-۱۲۰. **اقتصادی**، شماره ۹۴-۹۳، صص ۱۲۰-۱۱۹.
۵۶. باوند، داود هرمیداس. **پیشین**، ص ۶.
۵۷. همان، ص ۸.
۵۸. بیگدلی، علی، **پیشین**، ص ۹.
۵۹. باوند، داود هرمیداس، **پیشین**، ص ۹.
۶۰. **تحولات جدید منطقه ای و امنیت ملی ج.ا.ا. میزگرد**، **فصلنامه خاورمیانه**، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، صص ۹۵۷.
۶۱. «امنیت ملی در سال ۱۳۹۷»، **پیشین**، ص ۳.
۶۲. حجاریان، سعید، «تحول مفهوم امنیت ملی در ج.ا.ا.»، **مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی**، جلد اول (تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، ۱۳۷۵)، صص ۳۰۰.
۶۳. تریپ، چارلز، «سازمانهای منطقه ای در خاورمیانه عربی»، ترجمه مسعود اسلامی، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۱۱-۱۱۲، صص ۱۰۶-۱۱۶.
۶۴. کاظمی، سیدعلی اصغر، «روابط بین الملل در تئوری و در عمل»، **پیشین**، صص ۵۵۵-۵۵۴.
۶۵. نایره، ژولوس، **چالش جنوب**، گزارش کمیسیون جنوب، ترجمه ابراهیم خلیلی (تهران: قومس، ۱۳۷۶)، صص ۲۷۵-۲۷۲.
۶۶. طیب، علیرضا، «بازسازی نظام ملل متحد: دیدگاهی از جنوب»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۹۴-۹۳، صص ۶۰-۶۱.
۶۷. همان، ص ۶۴.
۶۸. آثار اقدام آمریکا در افغانستان بر منطقه و بر امنیت ملی ج.ا.ا. ایران میزگرد»، **فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی**، سال هشتم، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۳.
۶۹. برهانی، سیدهادی، «سازمان کنفرانس اسلامی: ایران و اجلاس ایران»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۲۲-۱۲۱، صص ۱۳۴-۱۲۸.
۷۰. پروین، فرهاد، «دیوان بین المللی کیفری و جمهوری اسلامی»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۵۴-۱۵۳، ص ۱۱۸.
۷۱. «تحولات جدید منطقه ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی - میزگرد»، **پیشین**، ص ۹۵۳.
۷۲. «خلاصه طرح تحقیقاتی: بازدارندگی ج.ا.ا. اهداف، ویژگیها، اجرا و کاربرد»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۱ سوم، بهار ۱۳۷۸، ص ۲۳۷.
۷۳. فرانکل، جوزف، **روابط بین الملل در جهان متغیر**، ترجمه عبدالرحمن عالم (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰)، ص ۲۴۵.
۷۴. قراگزلو، محمد، **پیشین**، ص ۹۸.
۷۵. همان، ص ۹۶.
۷۶. باوند، داود هرمیداس. **پیشین**، صص ۸-۹.
۷۷. وفایی، حسن، «ایران و عضویت در گات»، **اطلاعات سیاسی**
- فصلنامه **مطالعات راهبردی**، شماره ۱ دوم (زمستان ۱۳۷۷)، صص ۱۲۲.
۳۶. عطارزاده، مجتبی، «تأثیر رویکرد جدید مفهوم امنیت بر امنیت ملی ج.ا.ا.»، **پیشین**، ص ۱۰۶.
۳۷. بیان، حسام الدین، **پیشین**، صص ۱۸۱-۱۸۰.
۳۸. تاجیک، محمدرضا، «مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی»، **مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی**، جلد دوم (تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، ۱۳۷۵)، صص ۵۱-۵۰.
۳۹. قانع بصیری، محسن، «امنیت ملی، محدودیتها و امکانات»، **ماهنامه امنیت**، سال چهارم، شماره ۱۴-۱۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، ص ۱۰.
۴۰. سریع القلم، محمود. **پیشین**، ص ۷۵.
۴۱. عطارزاده، مجتبی، «تأثیر رویکرد جدید مفهوم امنیت بر امنیت ملی ج.ا.ا.»، **پیشین**، صص ۱۱۲-۱۱۱.
۴۲. سریع القلم، محمود. **پیشین**، ص ۲۳.
۴۳. همان، ص ۷۲.
۴۴. روشندل، جلیل، **امنیت ملی و نظام بین الملل**، تهران: سمت، ۱۳۷۴، ص ۵۸.
۴۵. سیف زاده، سیدحسین، «استراتژی ملی و سیاست گذاری خارجی»، **مجله سیاست خارجی**، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۷۰۵.
۴۶. همان، ص ۷۱۲.
۴۷. کاظمی، سیدعلی اصغر، «روابط بین الملل در تئوری و در عمل»، **پیشین**، ص ۱۲۲.
۴۸. مهرپور، حسین، «نقش سازمانهای غیر دولتی در فرابری حقوق بشر»، **مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمانهای غیر دولتی در عرصه فعالیتهای ملی و بین المللی**، **پیشین**، ص ۳۵۹.
۴۹. قدیری ایبانه، محمدحسن، «نقش رو به تزاید سازمانهای غیر دولتی در جهان»، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**، شماره ۱-۶، تابستان ۱۳۷۹، صص ۷۲-۷۰.
۵۰. موسوی فر، مرضیه، «قاعده ی نفی سبیل و عضویت در سازمانهای بین المللی»، **مجله سیاست خارجی**، سال دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۵، صص ۱۲۳-۱۲۱.
۵۱. همان، ص ۱۳۵.
۵۲. «چکیده گزارش دومین همایش امنیت ملی جمهوری اسلامی...»، **پیشین**، ص ۷.
۵۳. امامی خوبی، ارسطو، «جای ایران در بازارهای جهانی»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۹۴-۹۳، صص ۱۲۰-۱۱۹.
۵۴. باوند، داود هرمیداس. **پیشین**، صص ۸-۹.
۵۵. وفایی، حسن، «ایران و عضویت در گات»، **اطلاعات سیاسی**